

بسم الله الرحمن الرحيم

اصول کلی حقوق بین الملل در اسلام

زینب الهی نژاد^۱

چکیده

موضوع تبیین اصول کلی حقوق بین الملل که از مهم‌ترین مسائل زندگی بشر و از مطالبات مهم نظام جمهوری اسلامی است از جمله موضوعاتی است که سابقه بحث از آن به اندازه طول عمر بشر از ابتدای خلقت تا کنون است و در داشتن زندگی مسالمت آمیز و صلح و تعالی بشر اثرگذار است. این نوشتار به روش توصیفی تحلیلی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای با هدف تبیین اصول کلی حقوق بین الملل انجام گرفته و به این موارد رسیده است: اسلام با ویژگی جهان شمولی، تغییرناپذیری و فطرت‌مداری بهترین منبع برای استخراج اصول است. با توجه به آیات و روایات عدل و وحدت دو اصل اساسی برای بیان حقوق هستند. اخوت و برابری انسانی و رعایت پیمان و پاکدامنی از اصول دیگر است که این مقاله مورد پژوهش قرار داده در پایان نیز به این نتیجه منتهی شده است که تامین حقوق انسان‌ها در سایه تنظیم روابط بین الملل بر اساس این اصول کلی است.

کلیدواژه‌ها: اصول کلی، حقوق، بین الملل، اسلام.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم

مقدمه:

دین اسلام که از ویژگی کامل بودن و جامع بودن برخوردار است به همه ابعاد وجودی انسان به ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با موجودات هستی از جمله انسان‌ها و ارتباط انسان با خالق خود پرداخته است.

خداوند در اسلام برای این روابط سه گانه به انسان راهکار و آموزه می‌دهد. روابط انسانی و اصلاح تعاملات اجتماعی مایه پیشرفت حیات بشری است این تعاملات اجتماعی را از منظرهای مختلف میتوان بررسی کرد مهم‌ترین و عمیق‌ترین لایه اجتماعی روابط انسان‌ها بدون در نظر گرفتن قومیت، دین و مذهب، روابط بین المللی است.

روابط بین الملل به معنای همزیستی و هماهنگی مسالمت آمیز و عادلانه بین ملل گوناگون است و در این روابط، حقوقی باید رعایت شود و برای به دست آوردن این حقوق نیازمند منبع مشترک هستیم و همچنین برای حقوق ثابت و مشترک باید اول مبنای ثابت و مشترک و دوم منبع ثابت و مشترک پیدا کرد. تعلقات مادی و عدم اتحاد و همانگی انسان‌ها با یکدیگر در جهان امروزی (مائده آیه ۱۶-۶۴) و عدم شناخت و معرفت انسان‌ها نسبت به حقیقت خود و دیگر گروه‌های بشری باعث می‌شود خود انسان نتواند این حقوق را تدوین کند. بهترین منبع برای تدوین حقوق بین الملل، دین است. دین مجموعه قوانین مربوط به اعمال بشر و عقاید و اخلاق است و با ویژگی جهان شمولی، تغییرناپذیری و فطرت‌مداری می‌تواند منبع مناسبی برای تدوین حقوق باشد. مکتبی که جهان شمول است می‌تواند قانون حقوق بشر و روابط بین الملل را تدوین کند، زیرا اگر ملت‌ها و امت‌ها حقیقت مشترکی نداشته باشند، نوشتن قوانین برایشان عملی نیست.

اسلام در سه عنصر اصلی دارای مکتب تحلیلی بوده و اصول مشترکی را ارائه کرده است: ۱. منشأ ساختار طبیعی همه انسانها یکی است. ۲. مبدأ غایی هدف و غایت وجود انسان واحد است. ۳. مبدأ موضوع: خالق بشر یکی است. بر اساس وحدت منشأ ذهنی، منشأ مادی انسانها، قانون اداره آنها نیز باید یکی باشد و آن اسلام است که هم مدعی جهانی و همگانی است و هم حقوق بشر و هم قانون. روابط بین الملل دارد، زیرا از مبدأ عالم و آدم و از هدف نهایی آنها وضع شده است. دین به معنای مجموعه معارف اخلاق و احکام خواسته فطرت است و چون فطرت انسانها تغییر نکرده و نمیکند پس دین الهی تا انسان هست تغییر نمی‌کند.

روابط بین الملل با زندگی انسان گره خورده است و آدمی برای رشد همه جانبه و صحیح بودن روابط، نیازمند حقوقی است و اسلام با ویژگی‌های مطرح شده بهترین مبنا و منبع برای استخراج این حقوق است. اصولی اسلام برای بیان حقوق عبارت‌اند از: عدل، وحدت، اخوت و برابری، پاکدامنی و انصاف و رعایت پیمان که توضیح در ادامه خواهد آمد.

تاکنون پژوهش‌هایی درباره اصول کلی حقوق بین الملل در اسلام انجام شده است لکن اهمیت و گستردگی موضوع اقتضا می‌کند که ابعاد کاربردی آن مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد، البته به صورت پراکنده و نامنظم در آثار مختلف پژوهشی این بحث دیده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - عبدالحکیم سلیمی در مقاله اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین الملل بدین نتیجه رسیده است که اگر فلسفه تاسیس حقوق بین الملل، تنظیم روابط بین الملل، تامین صلح و امنیت جهانی، حمایت از اصل برابری جوامع و دفاع از حقوق برابر ملت ها باشد، باید اذعان کرد اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین الملل در جهان است؛ زیرا تحقق این اهداف والا فقط در پرتو تعالیم اسلامی امکان پذیر است.

۲ - سید علی اصغر جعفری در مقاله اسلام خاستگاه حقیقی حقوق بین الملل بشردوستانه بدین نتیجه رسیده است که مسایل حقوق بشردوستانه پیش از آن که غرب در اندیشه آن باشد، در اسلام وجود داشته است و اسلام قواعد و مقررات پر شمار انسانی و اخلاقی را تعبیه و آراسته کرده است که هدف تمامی آنها، حمایت از انسان ها در زمان جنگ است و اراده جمعی جامعه جهانی می تواند در پرتو توجه به این قواعد بنیادین، سعادت و صلح و ثبات جامعه بشری را میسر سازد.

۳ - سید مهدی هادی در مقاله روابط بین الملل و قواعد حقوق بین الملل صدر اسلام بدین نتیجه رسیده است که حقوق بین الملل مانند هر علم دیگری متحول و متأثر از گذشته است . علاوه بر قواعد موجود در یونان و رم بعد از این دوره در هزاره قرون وسطی بر خلاف نظر حقوقدانان غربی حقوق بین الملل وجود داشته است. تحولات حقوق بین الملل بعد از دوره یونان و رم ناشی از تحولات آن در هزاره قرون وسطی است.

پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته و در صدد پاسخ به این پرسش است که اصول کلی حقوق بین الملل در اسلام چیست ؟ ضمن استخراج این اصول از منابع به تبیین اصول کلی حقوق بین الملل در اسلام می‌پردازد

اصول کلی حقوق بین الملل

چند مورد اصولی که اسلام برای تدوین حقوق بین الملل بیان می‌کند به شرح زیر می‌باشد:

۱ - عدل : اولین اصل اساسی در روابط بین الملل عدل است. اصل عدالت قوام دهنده حیات انسانی است. دادگری، همانند اصل توحید ریشه در نظام تکوین دارد: بالعدل قامت السموات و الارض (عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۳) بنابراین نادیده گرفتن عدالت برخلاف نظام طبیعت است. عدالت در زندگی اجتماعی مسلمانان از تکالیف مهم بوده است در قرآن کریم فرمودند به هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید از روی عدالت حکم کنید. (نساء: ۵۸) انسان در زندگی فردی خویش و در زندگی خانوادگی و اجتماعی در مقابل هم‌نوعان خود نباید از اصل عدالت غافل شود و این اصل مهم در همه امور باید اجرا شود. علاوه بر این مسلمانان در مقابل نامسلمانی که به آنان ستم نکرده است باید با عدالت رفتار کند. خدا شما را از نیکی کردن و عدالت نسبت به کسانی که در کار دین با شما نجنگیدند و شما را از دیارتان بیرون نکردند باز نمی‌دارد. (ممتحنه: ۸)

تعریفی که از عدل بیان شده این است که عدل به معنای تساوی بین همه موجودات نیست. (آموزش عقاید، ص ۱۶۳) بلکه عدل به معنای تساوی در جایی است که همه افراد استحقاق‌های مساوی داشته باشند.

بنابراین وقتی استحقاق‌ها و قابلیت‌ها متفاوت باشد بر خورداری‌ها نیز متفاوت خواهد بود (العدل عند مذهب اهل بیت، ص ۱۹) آیت الله جوادی آملی عدل را اینگونه تعریف میکنند: قرار دادن هر چیز در جای مناسب خویش.

همه انسان‌ها با هر فرهنگ و زبان و سنتی خواستار عدل‌اند. خداوند در آفرینش انسان میان اعضای او هماهنگی و تعادل برقرار کرده است (انفطار: ۷) یعنی خداوند تو را آفرید و به عدل سامان داد. خداوند در آفرینش هستی هر آنچه که برای بشر و جهان لازم بود خلق کرد، عدل در ساختار هستی نهاده شده است و در همه هستی نسبت به همه موجودات حتی ذات اقدس خداوند هم جریان دارد.

اسلام مسلمانان را به رعایت عدالت فرا می‌خواند. چند نمونه از عدالت محوری اسلام:

۱- پیامبر اکرم فرمودند توانگر با تهیدست و شهری با روستایی و عرب با عجم فرقی ندارند مگر در تقوا (معدن الجواهر، ص ۲۱)

۲- اسلام دین همه انبیا است سلیمان پیامبر ملکه صبا را در نامه‌ای به عدل و پرستش خدای یگانه دعوت کرد

۳- امیرالمومنین در نامه خود به مالک اشتر نوشتند: وقتی به مصر رسیدی و بر کرسی قدرت تکیه زدی با احدی گرگوار رفتار نکن خواه مسلمان یا کافر (نهج البلاغه نامه ۵۳) در هر کشور مسلمانی ممکن است مسلمانان در کنار افرادی با ادیان دیگر زندگی کنند ولی باید نسبت به هر دو عادل بود چون مسلمانان برادر یکدیگر و غیرمسلمانان در آفرینش مساوی با مسلمانان‌اند و اصول انسانی مشترک میان آنان برقرار است و باید این اصول مشترک رعایت شود.

۴- در زمینه اقتصادی کم‌فروشی خلاف شرع و رذیله‌ای اخلاقی است که به آبروی کشور اسلامی آسیب می‌رساند حتی اگر خریدار غیرمسلمان باشد اگر کشور مسلمان بخواهد کالای خود را به کشور غیر اسلامی صادر کند نمی‌تواند کم‌فروشی کند یعنی اسلام رابطه بین مسلمان و کافر و ملت و دولت اسلامی و ملت و دولت کافر را به عدل تنظیم کرده است.

۵- غش در معامله چه برای مسلمان چه کافر ناروا است و اجناس مردم را کم ندهید و به فساد و تبهکاری نکوشید (شعراء ۱۸۳) در آیه دیگر می‌فرمایند پیمان‌ه و ترازو را تمام ادا کنید و در کارهای مردم کم نگذارید (اعراف: ۸۵) آیات دلالت دارند که هیچ چیزی را از هیچ کس کم نکنید. در این آیات سخن از ناس است همه مردم نه فقط مومنان.

۶- احتکار حرام است حتی با غیر مسلمان یعنی اگر غذایی مورد نیاز ملتی بود و آن‌ها خورشان هدر نبود یا مورد تعهد یا در پناه دولت اسلامی بودند نباید درباره آن‌ها احتکار کرد یعنی مواد غذایی را پنهان کرد و در انبار ذخیره کرد تا گران‌تر بفروشد.

در روابط تجاری مسلمان دو وظیفه دارند: یک، در اصل معامله خیانت نکنند. دو، آبروی نظام اسلامی را حفظ کنند. خیانت در روابط اقتصادی با کشورهای غیر اسلامی علاوه بر اینکه معصیت کبیره است نظام اسلامی را لکه دار میکند و به حیثیت ملت و دولت اسلامی آسیب می‌زند.

بنابراین اسلام در بخش‌های مختلف مانند بخش‌های تجاری، اقتصادی و فرهنگی بین مسلمانان و غیر مسلمانان تفاوت قائل نمی‌شود و به عدل و قسط عمل می‌کند.

۲ - وحدت: انسان‌ها نیازمند زندگی مسالمت آمیز و اتحاد با یکدیگرند دومین اصل اساسی حقوق بین‌الملل در اسلام وحدت است. وحدت در لغت به معنای یگانه شدن و انفراد است لغویان درباره معنای اتحاد گفته‌اند: اتحاد یکی شدن دو چیز موجود است (مجمع‌البحرین ج ۴ ص ۴۷۶)

اتحاد باید بر مدار اجرای حق باشد، هر اتحادی مطلوب نیست بلکه محور و هدف اتحاد باید مورد توجه قرار بگیرد از مظاهر وحدت در احکام اسلامی می‌توان به نماز جماعت، نماز جمعه، مراسم حج و جهاد و .. اشاره کرد این احکام نشان دهنده اهمیت وحدت و یکپارچگی امت اسلامی است .

وحدت و اتحاد در سه حوزه مطرح است:

الف - امت اسلامی: آیات قرآن انسان را به زندگی مسالمت‌آمیز زیر سایه اسلام دعوت می‌کند مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۰ سوره حجرات می‌فرماید: « باید دانست که جمله انما المؤمنون اخوه قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریع می‌کند، و نسبتی را برقرار می‌سازد که قبلاً برقرار نبود، و آن نسبت برادری است که آثاری شرعی، و حقوقی قانونی نیز دارد. » (تفسیر المیزان، ج ۱۸) در نتیجه آیه شریفه مسلمانان را به صلح فرا می‌خواند و از هرگونه تفرقه داخلی نهی می‌کند. اگر مسلمانی در جامعه اسلامی موجب اختلاف مسلمان با یکدیگر شود دیگران موظف‌اند او را مهار کنند و اختلاف را برطرف کنند.

ب - پیروان ادیان توحیدی: توحید اصل مشترک میان همه ادیان است. اسلام بر اساس جهان شمولی خود همه ملت‌ها را می‌پذیرد چه ملتی که اسلام داشته باشد یا نداشته باشد. همزیستی عادلانه در حوزه پیروان ادیان توحیدی سه محور دارد: یک؛ پرستش خداوند و نفی شرک ذاتی. دو؛ نفی رژیم ارباب رعیتی. سه؛ تاسیس رژیم ربانی.

ج - حوزه جوامع بشری: اسلام می‌گوید مبدء فاعلی و آفریدگار همه انسان‌ها یکی است و همه در فطرت بایکدیگر مشترک‌اند. کافر انسانی است که به دنبال حقیقت بوده اما به بیراهه رفته است و حقیقت مطلوب را به دست نیاورده است لکن اسلام هرگز با کفر کنار نمی‌آید اما کافر را برای هدایت می‌پذیرد. کفر باطل است اما کافر در فطرت انسانی با غیرکافر شریک است و روابط انسان‌های مسلمان و موحد با کافر بر اساس فطرت مشترکشان است و بر همین اساس اسلام دولت اسلامی را به صلح و سازش با دولت کافر دعوت می‌کند در

و به بازماندگان آن چیزی را پرداخت کرد که تعهد شده است؛ یعنی اگر پیمانی با نامسلمانی بسته شد، باید مسائل مالی و حقوقی آن پیمان را رعایت کرد.

پیمان نظامی: رابطه بین الملل به این معنا نیست که از نظر قلب مسلمانان پیوند قلبی با کافران داشته باشند و نیز به این معنا نیست که هر چه بیگانه تحمیل کرد، مسلمانان هم آن را تحمل کنند؛ ولی به این معنا هم نیست که مسلمانان در پیمان شکنی مجاز باشند و بر دیگران بتازند.

در بعضی از جنگ ها امیر مؤمنان به معاونان خود دستور میداد شما از این پیمان حداکثر استفاده را بکنید : قال فی صلح قوم من العرب إن بیننا و بینهم عیبه مکفوفه ؛ ای لا نکشف ما بیننا و بینهم من ضغن و حقد و دم ؛ یعنی بین ما و دشمنان طنابی است که دو گروه را به هم مرتبط میکند. ما پیمان بستیم از این رو حق تعرض یک جانبه نداریم. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۱۰).

غرض آنکه اگر پیمان در محدوده مال بود حق تعرض به مال نیست؛ چنانچه در محدوده خون بود حق تعرض به خون نیست. شخصی به نام خالد حمله کرد و یکصد بیگانه را کشت و وجود مبارک رسول الله وجود مبارک حضرت امیر را احضار کرد و فرمود که خالد به نام اسلام و به صورت یک نیروی مسلمان بدرفتاری کرده و بر گروهی خسارت های مالی وارد و عده ای را هم مصدوم کرده است؛ تو از پول بیت المال که در اختیارت قرار دارد استفاده کن و به آن منطقه آسیب دیده رفته و همه خسارت ها را تأدیه کن ؛ حتی آن ظرفی را که سنگ در آن ظرف ولوغ میکرده و از آن آب می نوشیده است اگر در این تاخت و تاز خالد آسیب دیده و شکسته است بهای آن ظرف را هم از بیت المال بپرداز: کان رسول الله ﷺ قد بعث السرایا بعد الفتح فیما حول مکة یدعون الناس إلى الله و لم یأمرهم بقتال وکان ممن بعث خالد بن الولید بعثه داعیاً ولم یبعثه مقاتلاً فنزل علی الغمیصاء ماء من میاه بنی جذیمه بن عامر و کانت جذیمه أصابت فی الجاهلیه عوف بن عبد عوف أبا عبد الرحمن و الفاکه بن المغیره عم خالد و أخذوا ما معهما . فلما نزل خالد ذلک الماء أخذ بنو جذیمه السلاح . فقال خالد : اخلعوا السلاح، فإن الناس قد أسلموا فأمر بهم خالد عند ذلک فکتفوا ثم عرضهم علی السیف ؛ فقتل من قتل منهم. فلما انتهى الخبر إلى النبی ﷺ رفع یدیه ثم قال : اللهم إنی أبرأ إلیک مما صنع خالد! ثم أرسل علیاً و معه مال و أمره أن ینظر فی أمرهم. فودی لهم النساء والأموال حتی أنه لیدی مبلغه الکلب ؛ ففضل معه من المال فضله . فقال لهم علی : هل بقی لکم مال أو دم لم یؤد؟ قالوا : لا .. قال : إنی أعطیکم هذه البقیه احتیاطاً الرسول الله ﷺ ففعل ثم رجع إلى رسول الله فأخبره فقال : أصبت و أحسنت !! (الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۵۵ - ۲۵۶؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۴۰ - ۱۴۱). چنین دین عدل محور و ظلم ستیز میتواند جهانی باشد، چون رهبرش نمی فرماید من پیامبر هستم و مقتدرم و اینک که همه نیروهای جزیره العرب خلع سلاح شده اند ظلم رواست.

اسلام بر مبنای اصول مشترک انسانی این اصول را برای تدوین حقوق بیان می کند و محور اساسی این اصول عدل و وحدت است و باقی اصول بیان شده بر مبنای این از این دو اصل است.

محدودیت روابط مسلمان با کافر در اسلام

اسلام محدودیت‌هایی برای روابط با کافر قائل است:

۱- هر مبادله‌ای و رابطه نصرت و کمک با کافر اگر مایه تأیید مکتب باطل کافر و مایه گسترش ظلم آن‌ها نسبت به انسان دیگر نیست خرجی ندارد در غیر این صورت ممنوع است.

۲- خداوند ارتباط ولایی با کافر را یعنی ولای آنان را در دل جای دادن را مطلقاً ممنوع کرده است و در قرآن کریم آیه ۱۳ سوره ممتحنه و سوره مجادله آیه ۲۲ می‌فرماید کافران مورد غضب خداوند هستند و نباید با آنان را دوست داشت. آیه سوره مبارکه ممتحنه با تعلیق حکم بر وصف مخاطب را از علت یابی بی‌نیاز و با جمله لا تتلوا قوم غضب الله علیهم این را این معنا را می‌فهمانند که اگر با کسانی که مورد غضب الهی قرار گرفتند رابطه ولایی برقرار کنید گرفتار غضب الهی می‌شوید. روابط ناخودآگاه اثرگذار است از آنجا که معیار حق و باطل ایمان و کفر است اگر کافران و مشرکان از مومنان تاثیر بگیرند به سود کافران و مشرکان خواهد بود زیرا آن تاثیر زمینه گرایش ایشان به خداوند وحی و نبوت است اما تاثیر مومنان از آنان به زیان مومنان است چون زمینه کج‌راهه رفتن و انحراف از معارف دینی است یعنی مومنان در رابطه با کافران نباید تاثیر بپذیرند.

۳- دوستدار کافر نمی‌تواند مؤمن باشد، زیرا رضایت به کفر هرگز با ایمان سازگار نیست؛ به ویژه اگر با کوشش‌های عملی برای تأمین رضایت کافران یا با تلاش‌های فرهنگی برای ترویج فکر آنان یا با فعالیت‌های سیاسی برای تثبیت حاکمیت آنها همراه باشد. عناوین قرآنی «عباد الرحمن»، «حزب الله»، «صابرین»، «مسلمین»، «متقین»، «قانتین»، «ذاکرین» و ... که برای وابستگان به خدا به کار رفته است نیز شامل چنین کسی که در صدد تأمین خشنودی کافر است نخواهد بود.

۴- دوستی با کافران برای رسیدن به خواسته‌های دنیوی نه تثبیت کفر این نوع دوستی گناه کبیر و فسق بزرگ است؛ مثل اینکه کسی برای به دست آوردن مال دنیا به نفع کافران فقط در محور امور دنیایی آنها جاسوسی کند. چنین کسی کافر نیست؛ ولی بر اثر تثبیت نظام کفر که در حد خود از گناهان بزرگ است از مزایایی که مؤمن عادل برخوردار است، محروم خواهد بود

۵. پیوند با کافران به انگیزه استفاده از قدرت آنان برای احیا و احقاق حق: این رابطه نیز ممنوع است چون حق را با باطل نمیتوان تثبیت کرد؛ ولی مایه کفر نخواهد بود.

افراط و تفریط در روابط خطا است همانگونه که ارتباط مهار نشده با کافران درست نیست ترک مراوده بی حساب نادرست است. اسلام در عین امضای روابط با کافران فرمود که این رابطه را در محدوده جان راه ندهید که به آنها علاقه مند شوید؛ ولی درباره مسلمانها ضمن حفظ روابط تجاری و صنعتی و سیاسی و مانند آن

میتوانید در قلب یکدیگر راه پیدا کنید، چون هر دو مسلمان و مؤمن اید ولی با کافران رابطه نهانی نداشته باشید و آنها را امین راز خود قرار ندهید.

روابط اسلام با ملل مستکبر

اسلام نه دین انزوا است تا جدا از جهان زندگی کند و نه سلطه پذیر است و نه سلطه گر هم اصل انزوا را باطل میداند و هم سلطه گری را امضاء نمی کند و هم سلطه پذیری را ننگ میداند چون معیار این روابط را قسط و عدل تنظیم می کند. اگر بر اساس قسط و عدل رابطه تدوین و تنظیم شد انسان نه از قدرت خود سوء استفاده می کند و نه اجازه میدهد مقتدری از قدرت او بد استفاده کند از این رو در عین حال که در سوره مبارکه ممتحنه رابطه با کافران را امضاء کرده در سوره انفال و «توبه» رابطه با مستکبران را امضاء نکرده است، چون با کافر زندگی مسالمت آمیز ممکن هست زیرا وی گرچه اصول الهی را نمی پذیرد، اصول انسانی را می پذیرد؛ اما مستکبر نه اصول الهی را میپذیرد و نه اصول انسانی را.

خوی استکبار پیمان شکنی است از این رو قرآن در عین حال که فرمود شما می توانید با کافران زندگی مسالمت آمیز داشته باشید خواسته است با مستکبران همواره در نبرد باشید زیرا خوی آنها نقض عهد است. (روابط بین الملل در اسلام، ص ۱۷۱)

نتیجه گیری:

موضوع اصول کلی حقوق بین المللی در اسلام از مهم ترین مباحث زندگی بشر برای تنظیم روابط بین المللی در عصر حاضر است و سعادت بشر نیز در تنظیم روابط و تعاملات بین المللی بر اساس این اصول می باشد در مطالب بیان شده با تکیه بر آموزه های دینی و استفاده از نظرات اندیشمندان اسلامی تلاش شده است اصول کلی روابط بین الملل به طور مختصر تبیین گردد.

در پژوهش حاضر اصول کلی روابط بین الملل که عبارت اند از: عدالت که اساسی ترین این اصول است. وحدت، اخوت، برابری و رعایت پیمان. اسلام بر همزیستی عادلانه در حوزه های اسلامی و با موحدان جهان تأکید دارد و بر صلح و رفتار نیک با کافران غیر مستکبر پای میفشرد و با مستکبران جهان سر ستیز دارد و از فطرت انسانها دفاع میکند.

این موارد با تکیه بر قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفته است و این مهم تبیین گردیده است که دستیابی انسان ها و حکومت ها به حقوق آنها صرفا با رعایت اصول فوق امکان پذیر است و زمانی که ملت ها و حاکمان سیاسی روابط بین المللی خود را بر اساس این اصول تنظیم نمایند زمینه رشد و پیشرفت جامعه بشری فراهم و جلوی حجم زیادی از ظلم و فساد گرفته خواهد شد.

آنچه بیان گردیده بر اساس نیاز جامعه به این مهم است و طبیعتاً ما بخشی از مطالب را در حد این پژوهش مختصر بیان کرده‌ایم جای بحث و تحقیق در این زمینه زیاد است و انتظار می‌رود پژوهشگران موضوع روابط بین الملل را با تکیه بر معارف نورانی اسلام مورد بررسی هر چه بیشتر قرار دهند.

فهرست منابع :

قرآن

1. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶ش)، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامی.
2. انصاریان، حسین، (۱۳۹۳ش)، ترجمه آیت الله انصاریان، دارالقرآن کریم.
3. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، جلد ۱۰، صفحه ۴۰۷.
4. . قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، جلد ۶، صفحه ۳۶۵.
5. . قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، جلد ۳، صفحه ۱۱۳.
6. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق) بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء. جلد ۲۱، صفحه ۱۴۰-۱۴۱.
7. ابن ابی الحدید، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
8. البخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر.
9. احسائی، ابن ابی جمهور، (۱۴۰۵ق) عوالی الثالی، قم، سیدالشهداء.
10. الشیبانی الجزری، ابوالحسن علی، الکامل فی تاریخ، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۲۰۰۳م.
11. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، السید احمد الحسینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق.
12. کراجکی، ابوالفتح، معدن الجواهر، تهران، کتابخانه مرتضویه، ۱۳۹۴ق.
13. ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، قم، موسسه النشر السلامی، ۱۴۱۳ق.
14. سید رضی، محمد، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات قدس، ۱۳۸۳ش.
15. جوادی آملی، عبدالله، روابط بین الملل در اسلام، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
16. علاء الحسنون، العدل عند مذهب أهل البيت، معاونیه الثقافیه للمجمع العالمی لأهل البيت، ۱۴۲۹ق.
17. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۹ش.
18. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، موسسه النشر السلامی، ۱۴۱۷ق.
- 19.
- 20.